

Persia and Greece in the Ancient World

Mehdi Rahbar¹

Abstract

Persia and Greece have been the two great civilizations to reckon with, and both, played a valuable role in the ancient world at least since the 6th century BCE. The proximity of these two lands led to many political and cultural relations in ancient times, with both influencing each other in different domains. Although Iran-Greece wars incurred great financial and human losses on both sides, at least in Greece, they caused self-confidence, especially helped it flourish in art, especially in the field of sculpture. Works of Greek culture have been found in Iran that can be divided into 3 categories. The first is objects that have a Greek theme, created by the Greeks and for the Greeks. The second category is works that, although they have a Greek theme, have been imitated by the Iranians. The third category is motifs that have a Greek origin but have been imitated by the Persian people.

Keywords: Achaemenid; Iranian Culture; Greek Gods; Historical Relations; Persian Gulf.



¹ Research Institute of Cultural Heritage & Tourism, Tehran, Iran.  mehdi.rahbar@gmail.com

Article info: Received: 11 October 2024 | Accepted: 30 November 2024 | Published: 1 January 2025

Citation: Rahbar, Mehdi. (2005). "Persia and Greece in the Ancient World". *Sinus Persicus*, Vol. 2 (3): 83-108.

<https://doi.org/10.22034/sp.2024.490207.1015>

Introduction

There is no doubt that the world's two great civilizations, Iran and Greece, played an important role in the ancient world at least from the sixth century BC onward. When Cyrus the Great conquered Lydia, the proximity between ancient Iran and Greece was realized. Apparently, this proximity increased the recognition of the two great civilizations for each other even more than before. In fact, the background for the hostile encounters that later occurred between Iran as a representative of the East and Greece as a representative of the West took shape during these years. Although the wars between Iran and Greece caused great financial and human losses for both sides, at least in Greece they caused self-confidence. At the same time, they led to the flourishing of art, especially in the field of sculpture. The Greeks had come to believe that they owed their victory in the war with Iran to the help of the gods. The general mobilization to thank the gods and build temples and statues on a large scale put this art on the right track.

Greek Monuments in Iran

Greek Inscription on a Column Base from the Achaemenid Period in Susa

During the excavations in Susa by William Kennett Loftus in 1850-1852, works such as an inscription in Greek was found, which was written on a column base of the Achaemenid Palace (Fig. 1). The text of the inscription was: "Pythagoras, the son of Aristarchus, captain of the body-guard (in honor of) his friend Arreneides, son of Arreneides, Governor of Susiana".

Marble Statue of Borazjan

This statue, made of marble, was found during a farming process in Borazjan. This stone was probably extracted from the mines of Greece (Rahbar, 1999: 192). The statue consists of three parts but made as a single unit. A staff is attached to the goat skin with several knots. In the upper part, a naked man is seen, a large part of which is broken, which can be said to be a Satyr. The statue can be considered Marsyas, one of the satyrs, sitting on a symbol of Pan. This statue probably belonged to a temple in the Borazjan.

Greek Inscription of Nahavand

An inscription in Greek script and language was discovered by chance in 1943 from the Dokhwharan neighborhood of Nahavand. Louis Robert translated the inscription into French in 1949, and Ali Hakemi translated it into Persian (Hakemi, 1959a: 4). The inscription has 32 lines and is decree from Antiochus III, the Seleucid king, to a regional satrap. The king ordered that since the sister-queen had been elected as the high priestess of the city of Laodicea, he should increase her honors and engrave the decree on a stone and install it in front of the largest temple in the city of Laodicea (Nahavand) (Fig. 10).

Hermes Statue

A small bronze statue was found in 1948 from the Dokhoharan site in Nahavand, measuring 9.5 cm tall. The statue depicts a man wearing a hat and with his braided hair visible in front. He has wrapped his Himation around his body, yet his masculinity is visible. A state of stillness and tranquility is seen in this statue (Rahbar, 1976).

Parthian Seal with Greek Script

Excavations of Gelālak Tomb in Shushtar yielded a convex green gemstone inscribed with the Greek script of a Parthian prince (Fig. 14). A convex green gemstone probably served as a personal seal. The inscription on the gemstone, in reverse Greek script, reads “ΟρωΔακ” (Orodak), which may have been the name of a local ruler (Rahbar, 2023; 2024).

Conclusion

Works of Greek culture have been found in Iran, and these works can be divided into three categories. The first category is objects that have a Greek theme, made by the Greeks and for the Greeks, such as the Great God Pan statue of Borazjan. The second category is the works that, although have a Greek theme, have been

imitated by the Iranians, such as the columns of the Khvorheh of Mahallat mansion. The column bases of Khvorheh are apparently in the style of the bases of the Achaemenid period, and the capitals are in the Ionic style of Greece. In fact, they do not have the elegance of the column bases of the Achaemenid era, nor the elegance and precision of Greek art. Therefore, the Khvorheh columns are neither Iranian nor Greek. In such works, specific Greek proportions are usually not seen. These works have definitely been imitated by Iranian artists. The third category is motifs that have a Greek origin but have been imitated by the Iranian people. These motifs have survived to the present day, such as Acanthus and Meander motifs.





شپږشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتمال جامع علوم انساني

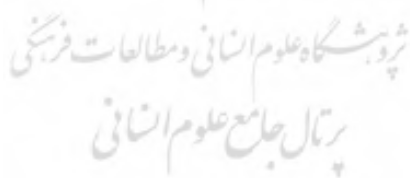
ایران و یونان در جهان باستان

مهدی رهبر^۱

چکیده

ایران و یونان، دست‌کم از قرن ششم پ‌م به بعد نقش ارزنده‌ای در جهان باستان ایفا کردند. همجواری این دو سرزمین باعث روابط سیاسی و فرهنگی بسیاری در دوران باستان شده بود و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر همدیگر داشتند. اگرچه جنگ‌های ایران و یونان خسارت‌های مالی و جانی فراوانی برای دو طرف به‌بار آورد، حداقل در یونان باعث خودباوری شد. در همین حال باعث شکوفایی هنر به‌ویژه در زمینه مجسمه‌سازی شد. آثاری از فرهنگ یونانی در ایران به‌دست آمده است که این آثار را می‌توان به ۳ دسته تقسیم کرد. دسته اول، اشیایی است که موضوع یونانی دارند که به‌دست یونانیان و برای یونانیان ساخته شده است. دسته دوم آثاری است که اگرچه موضوع یونانی دارد مورد تقلید ایرانیان قرار گرفته است. دسته سوم نقش‌مایه‌هایی است که اصل یونانی دارد اما مردم ایران آنها را تقلید کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: هخامنشی، فرهنگ ایرانی، خدایان یونانی، روابط تاریخی، خلیج فارس.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.  mehdi.rahbar@gmail.com

مشخصات مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۰ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲
استناد: رهبر، مهدی. (۱۴۰۳). "ایران و یونان در جهان باستان"، سینوس پرسیکوس، سال ۲، شماره ۳: ۸۳-۱۰۸.

مقدمه

بدون شک دو تمدن بزرگ دنیای قدیم یعنی ایران و یونان، حداقل از قرن ششم پ.م به بعد نقش مهمی در دنیای باستان ایفا کردند. هنگامی که کورش بزرگ لیدیه را به تصرف درآورد، همجواری بین ایران و یونان تحقق یافت. ظاهراً این همجواری شناخت دو تمدن بزرگ را نسبت به یکدیگر بیش از پیش افزایش داده است. درواقع زمینه برخورد های خصمانه‌ای که بعداً بین ایران به عنوان نماینده شرق و یونان نماینده غرب به وقوع پیوست، از همین سال‌ها شکل گرفته است. اگرچه جنگ‌های ایران و یونان خسارت‌های مالی و جانی فراوانی برای دو طرف به بار آورد، حداقل در یونان باعث خودباوری شد. درهمین حال باعث شکوفایی هنر به‌ویژه در زمینه مجسمه‌سازی شد. یونانیان به این باور رسیده بودند که پیروزی خود را در جنگ با ایران، مرهون کمک خدایان بدانند. بسیج عمومی برای شکرگذاری از خدایان و ساختن معابد و مجسمه‌هایی در اندازه بزرگ، این هنر را در مسیر واقعی قرار داد.

اگرچه جنگ یونانیان و تروا را که هومر سال‌ها پیش از حضور کورش در سواحل دریای اژه به نظم کشیده، می‌تواند اولین برخورد نظامی شرق و غرب تلقی شود. ازسویی یونان کشوری بود که در زمینه پزشکی، فیزیک، دریانوردی، هنر و فلسفه شهرت فراوانی کسب کرده بود. براساس اطلاعات موجود، پادشاهان هخامنشی در هنگام نیاز از وجود دانشمندان این کشور بهره‌مند می‌شدند. به‌موجب روایت هروdot، داریوش، دریانوردی از یونان به نام اسکيلاکس^۱ را مأمور

یک مسافرت تحقیقاتی در کرانه‌های خلیج فارس کرد تا از طریق دریا، از مصب رود سند و سواحل مکران تا عربستان را مطالعه کند (زرین‌کوب، ۱۳۶۴: ۱۵۲). دربار ایران همیشه از پزشکان یونانی استفاده می‌کرد. پزشکیانی چون دموکدس^۲ پزشک معالج داریوش اول و ملکه ایران بود (دورانت، ۱۳۴۹: ۱۴۸). یا کتزیاس که مدت ۱۷ سال را در دربار ایران در شوش گذراند و به طبابت ایرانیان پرداخت (پلوتارخ، ۱۳۴۹: ۱۹۲). روایتی هست که بقراط^۳ پزشک معالج اردشیر شهریار هخامنشی بوده است (دورانت، ۱۳۴۹: ۱۴۹). برخی نیز گفته‌اند که بقراط دعوت اردشیر اول را با این پایم که وظیفه اخلاقی من معالجه یونانی‌هاست نه معالجه دشمنان آنان نپذیرفته است (زرین‌کوب، ۱۳۴۹: ۱۷۶). در اواخر قرن ششم پ.م یونان در حال تجربه دموکراسی بود، اما هنوز جباران کم‌وبیش به دیکتاتوری تمایل داشتند. به‌همین دلیل هرگاه شورای حکومتی آتن به اندازه کافی قدرت پیدا می‌کرد، جباران و خاطیان و کسانی که خلاف مصالح عمومی عمل کرده بودند، طی محاکمه، معزول و یا به ترک وطن وادار می‌شدند. در این زمان شوش به عنوان پایگاه امنی برای این دسته از شهروندان آتنی بود. پس از پیسیستراتوس^۴، جبار آن، دو پسرش به نام‌های هی‌پئاس^۵ و هی‌پارخوس^۶ حکومت را به‌دست گرفتند. ستم آنان موافق طبع مردم آتن نبود. در این بین هی‌پارخوس به‌دست آریستویی‌تن و هارمادیوس^۷ به قتل رسید. همراهان هی‌پارخوس، هارمادیوس را گرفته کشتند. اگرچه آریستویی‌تن موفق به فرار شد، اندکی بعد او نیز گرفتار و زیر

^۱ Scylax of Caryanda

^۲ Democedes

^۳ Hippocrates

^۴ Pisistratus

^۵ Hippias

^۶ Hipparchus

^۷ Harmodius

ایران را فتح کرد، دستور داد مجسمه‌ها را به یونان برگردانند و در گورستان کرامیکو (سرامیک‌سازان) و در کنار قبرهای شهیدان راه آزادی نصب کنند (لمب، ۱۳۳۵: ۱۵۷).

از دیگر کسانی که از یونانیان که مدت‌ها در شوش زندگی کرد، باید از هیس‌تیه، جبار میلث نام برد. او در جنگ ماراتن رشادت زیادی از خود نشان داده بود، با این حال به دلیل اتهامی از کشور طرد شد و ناچار به داریوش پناهنده شد. او در عین حال، مورد سوءضن داریوش نیز بود. داریوش او را به عنوان مشاور خود انتخاب و به شوش آورد. می‌گویند در دربار ایران، فارسی را آموخته و با شاه بدون مترجم به فارسی صحبت می‌کرد (بدیع، ۱۳۶۴: ۲۵۵). از اشخاص دیگری از یونانیان مشهور که به دربار ایران پناهنده شده بودند، پوزانیاس پادشاه اسپارت و قهرمان جنگ پلاته و دیگری تمیستوکلس قهرمان جنگ سالامین بود. تمیستوکلس که در جنگ سالامین نیروی دریایی قوی تدارک یدده بود، در ابتدا مورد احترام یونانیان قرار گرفته بود اما به اتهام رشوه‌خواری و جاسوسی به سود ایران، فرمان بازداشت او صادر شد. اما تمیستوکلس پنهانی خود را به شوش رساند. شاه مقدمش را گرامی داشت و او را مشاور خود ساخت (دورانت، ۱۳۴۹: ۳). تمیستوکلس مدت‌ها در دربار ایران زندگی کرد. او نیز فارسی را به‌خاطر اقامان طولانی در ایران به‌طور کامل آموخت و با حکمت مغان نیز آشنایی یافت (زرین‌کوب، ۱۳۶۴: ۱۷۴-۱۷۵). به گفته هروودوت، دمارات پادشاه اسپارت نیز از جمله پناهندگان به دربار ایران بود. داریوش او را گرامی داشت. او پس از مرگ داریوش، از نزدیکان خشایارشا و از مشاوران او شد. می‌گویند دمارات، خشایارشا را به لشکرکشی به پلوپونز وسوسه می‌کرد (بریان، ۱۳۷۷: ۷۳۴). در زمان داریوش، ایران شامل ۲۸ ایالت از ملیت‌های

شکنجه کشته شد (دورانت، ۱۳۴۹: ۲۱۶). پس از این واقعه، هی‌پیاس حکومت زور و وحشت و جاسوسی را بر آن تحمیل کرد. با این حال حکومت او دوام نیاورد و معزول شد و به‌ناچار به دربار ایران پناهنده شد (دورانت، ۱۳۴۹: ۲۱۶). می‌گویند هموست که داریوش را به لشکرکشی به آتن تشویق کرد. تا آن زمان ایرانیان جز سواحل ایونی، یونان را نمی‌شناختند. هی‌پیاس در جنگ ماراتن همراه لشکر داریوش بود (پیرنیا، ۱۳۴۱: ۶۷۰). او با وجود کهولت سن، خواب تسلط دگربار را بر آن می‌دید (زرین‌کوب، ۱۳۴۹: ۱۵۶).

با کشته شدن هیپارخوس و فرار هی‌پیاس، دموکراسی به آن بازگشت و مردم به پاس فداکاری و از خودگذشتگی هارمودیوس و آریستویی‌تن به مجسمه‌ساز معروف آن عهد، آنتی‌نوروس سفارش ساخت مجسمه این دو قهرمان را دادند. مجسمه‌های با مفرغ ساخته شد و در آگورای آتن نصب شد تا خاطره این قهرمانان برای همیشه در دل مردم زنده بماند. خشایارشا بعد از جنگ سالامین، مردونیه، سردار سپاه ایران را در یونان گذاشت و خود به ایران بازگشت. او هنگام مراجعت به ایران غنیمت‌هایی که بیشتر غیر مادی بود به ایران آورد (رهبر، ۲۵۳۵: ۱-۶۳). از جمله مهم‌ترین این غنیمت‌ها، مجسمه‌های مفرغی هارمودیوس و آریستویی‌تن بود. درواقع خشایارشا مجسمه‌ها را نه به‌عنوان اثر هنری یا مادی بلکه هدف از انتقال مجسمه‌های قهرمانان آن به ایران، به اسارت گرفتن باورهای یونانیان و تحقیر آنان بود. نبود این دو مجسمه در آتن برای مردم بسیار ناگوار بود، بنابراین دستور ساخت مجسمه‌های جدیدی از این دو قهرمان به مجسمه‌سازان معروف آن زمان نی‌سیوتیس و کری‌تیوس داده شد. مجسمه‌های این دو قهرمان که به‌عنوان کشنده جباران معروف بودند در خزانه شوش بود و هنگامی که اسکندر مقدونی

ارسطو بود و طبعاً تعلیمات استاد می‌بایست در او اثر گذاشته باشد. اگرچه در آخر کار بین استاد و شاگرد کدورتی به‌وجود آمد. اسکندر بعد از تمشیت اوضاع مقدونیه راهی جنگ شد. ایران را گرفت و تخت جمشید را آتش زد. اسکندر وقتی وارد ایران شد، به همراه خود تاجر، صنعتگر، مورخ، معلم، هنرمند و جغرافیادان آورده بود (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۲۳۸). چراکه او به ایران آمده بود تا بماند و فرهنگ یونانی را در این کشور گسترش دهد. او به‌منظور گسترش فرهنگ یونانی دستور داد ۳۰ هزار نفر از جوانان ایرانی تحت تعلیم آموزگاران یونانی قرار گیرند (دورانت، ۱۳۴۹: ۱۲۵). اسکندر با همه غروری که داشت مقهور فرهنگ و تمدن ایران شد. او لباس ایرانی پوشید و آداب و رسوم هخامنشیان را به آن اندازه تقلید کرد که اعتراض سرداران و نظامیان را در پی داشت (کورتیوس، ۶. ۶ به نقل از زرین‌کوب، ۱۳۶۴: ۲۳۰). او حتی رسم بوسیدن زمین را در دربار خویش تقلید کرد. دیودوروس می‌نویسد: چون اسکندر به انتهای آمال خود رسید، وضع خود را تغییر داد. او تاج پارسی بر سر نهاد، شلوار گشاد و مخصوص پارس‌ها را پوشید و ردای آستین‌دار و دیگر لباس‌های ایرانی پوشید (دیودوروس، ۱۷. ۷۷ به نقل از پیرنیا، ۱۳۴۱: ۱۶۵۰). پس از اسکندر، سلوکوس و جانشینانش شهرهایی در ایران ساختند که دست‌کم شهرهایی در کرانه‌های خلیج فارس به‌نام‌های اسکندریه، آپامه، آنتیوخیا، سلوکیه و لانودیسه که در این شهرها امکاناتی همچون نیایشگاه و معبد و مرکز تجاری و کتابخانه و تماشاخانه و ورزشگاه بود (دورانت، ۱۳۴۹: ج ۶: ۱۵۸). با همه تلاشی که اسکندر و جانشینانش در یونانی کردن ایران کردند، این فرهنگ فقط مدت کوتاهی دوام آورد و سپس فراموش شد.

گونگون بود که وسعتی از رود سند تا ایونیه را دربرمی‌گرفت. داریوش در سنگ‌بنای کاخ شاهی اشاره به خدمات‌ها و مصالحی می‌کند که جهت ساخت کاخ از طرف سرزمین‌ها تابعه ارائه شده بود. سنگ‌بنای کاخ آپادانای شوش که در سال ۱۹۷۰ به‌دست آمده از صنعتگران ملت‌های تابعه که در ساخت و تزیین کاخ‌ها دست داشتند، یاد می‌کند که سنگ‌کاران از ایالت ایونی بودند. ایالت ایونی اگرچه فرهنگ یونانی داشت، از ساتراپی‌های هخامنشی بود. به‌نظر می‌رسد واژه یونان که از سوی ایرانیان به کشور Greece اتلاق می‌شود، از واژه ایونی گرفته شده باشد. ازجمله هنرمندان یونانی که در ساختن کاخ‌های هخامنشی، به‌ویژه در حجاری‌ها آن نقش داشتند، مجسمه‌ساز اواخر قرن ششم پم تیله‌فانیس است. او سال‌ها در شوش و نیز تخت‌جمشید، سرپرستی حجاران کاخ‌های شاهی را بر عهده داشت. پلینی مورخ و نویسنده رومی اشاره دارد که نامبرده برای داریوش و خشایارشا کار می‌کرده است (پلینی به نقل از زرین‌کوب، ۱۳۶۴: ۲۲۳). اگرچه حجاری‌های شوش و تخت‌جمشید، به‌احتمال به‌دست هنرمندان مجسمه‌ساز یونانی سرپرستی و اجرا شده است، به‌وضوح می‌توان درک کرد که شیوه و سبک کار، از معیارهای یونانی دور است و روح ایرانی در آن دمیده شده است، بنابراین می‌توان گفت که هنرمندان اعم از مجسمه‌ساز یا معمار، می‌بایست براساس سلیقه و خواست داریوش عمل کند.

تحولات و تغییراتی که در واپسین دوره زمامداری هخامنشیان در یونان به‌وقوع پیوست، سرنوشت ایران که روزی از پهناترین و قدرتمندترین کشورها بود، طور دیگری رقم خورد. اسکندر که در جوانی پرشور و جویای نام بود، در مقدونیه به پادشاهی رسید. او شاگرد



تصویر ۱. کتیبه یونانی بر پایه ستون دوره هخامنشی در شوش (Loftus, 1857: 402).
Fig. 1. Greek Inscription on the Column Base of Achaemenid Era in Susa (Loftus, 1857: 402)

ایستایی پایه ستون واژگون است، نشان می دهد که این کتیبه بعد از ویرانی کاخ نوشته شده است.

سنگ مسافت نما از مرو دشت

در سال ۱۳۵۷ از مرو دشت نزدیک تخت جمشید، قطعه سنگی شبیه کنگره پله ها کاخ پیدا شد که در دو سطح آن کتیبه ای به خط و زبان یونانی دارد. این قطعه سنگ دارای ابعادی حدود ۲۵ در ۲۸ در ۴۶ سانتی متر است. بخش سمت راست کمی آسیب دیده و چند حرف از کتیبه از بین رفته است (کبیری، ۱۳۵۸: ۱۹۷).

در یکی از سطوح این قطعه سنگ در یک سمت، سه سطر کتیبه به خط و زبان یونانی است و در سطح دیگر دو سطر نوشته دارد (تصویر ۲). حرف های کتیبه به اندازه کافی بلندی دارند. احمد کبیری طرح این کتیبه را برای خوانش به من داد که خوانش کتیبه های این مسافت نما منتشر شد (کبیری، ۱۳۵۸: ۱۹۷).

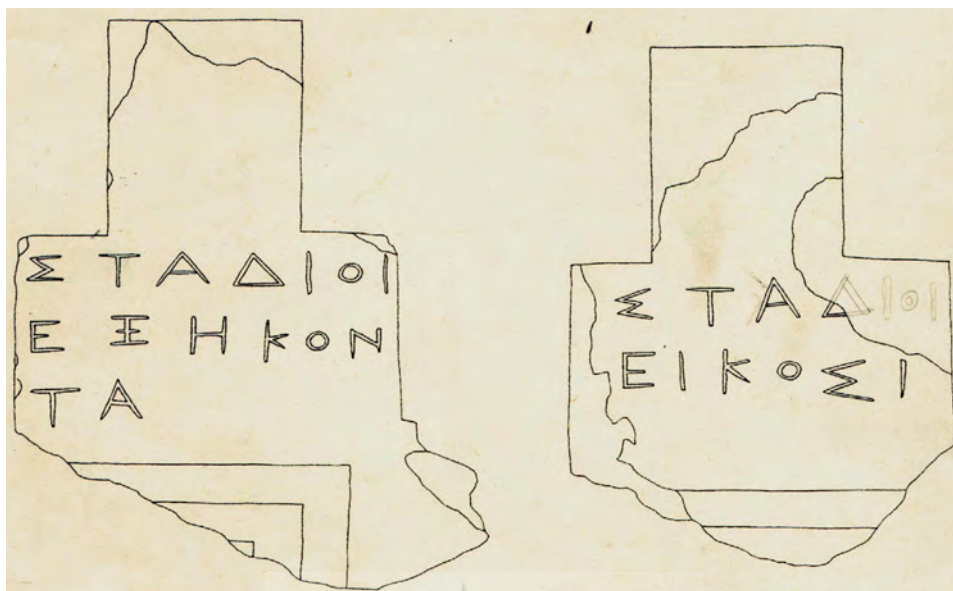
بنابراین در یک سمت این مسافت نما، واژه ۲۰ استاد و در سمت دیگر آن ۶۰ استاد نوشته شده است. در این صورت، فاصله مکانی که

اشکانیان که در شمال شرقی ایران امروزی به قدرت رسیدند، در آغاز از خط و زبان یونانی بر سکه ها بهره می بردند. به نظر می رسد که در میان اشرف یونانی زده نسبت به زبان یونانی گرایش بود و استفاده از آن را نوعی تشخیص و تفاخر می دانستند. با این حال مردم عادی ایران هرگز تمایلی به فرهنگ و زبان یونانی نداشتند و اگر در کاوش های باستان شناختی در ایران، جسته و گریخته آثاری از فرهنگ و تمدن یونانی اعم از گچ بری و نقش برجسته و کتیبه های یونانی به دست آمده به مردم عادی تعلق ندارد.

آثار یونانی در ایران

کتیبه یونانی بر پایه ستون دوره هخامنشی در شوش

طی کاوش های لفتوس در سال ۱۸۵۰-۱۸۵۲ در شوش، آثاری همچون کتیبه ای به خط و زبان یونانی به دست آمد که بر یک پایه ستون کاخ هخامنشی نوشته شده بود (تصویر ۱). کتیبه درباره آریانیدیس فرماندار شوش از سوی دوستش فیثاغورث است. باتوجه به اینکه کتیبه نسبت به



تصویر ۲. سنگ مسافت‌نما از مرو دشت (کبیری، ۱۳۵۸).
Fig. 2. A Greek Milestone from the Marvdasht (Kabiri, 1980).

تصویرها را به اندازه‌ای دقیق و هنرمندانه اجرا کرده که موجب شگفتی است (تصویر ۳). با توجه به ظرافت همراه با رعایت تناسبات، به احتمال کار یک هنرمند یونانی است. اگرچه آرامگاه صالح‌داوود به الیمایی‌ها تعلق دارد، مربوط به زمانی است که اشکانیان، غرب و جنوب‌غربی ایران را از دست سلوکیان آزاده کرده بودند و از آن تاریخ شاهزادگان اشکانی به‌عنوان شاهان محلی خوزستان زمام امور را به‌دست گرفته بودند. بنابراین اگرچه آرامگاه‌ها به حدود قرن اول میلادی تاریخ‌گذاری شده است، تاریخی که برای نگین‌ها پیشنهاد شده، نباید جدیدتر از قرن سوم و چهارم پم باشد.

نگین ۱

نقش این نگین، شخصی را نشان می‌دهد که

سنگ مسافت‌نما، نصب بوده نسبت به مبدأ ۲۰ استاد و نسبت به مقصد ۶۰ استاد یا برعکس بوده است.^۱ تا چند سال پیش وزارت راه ایران برای نشان دادن فاصله شهرها، از همین نوع سنگ‌ها استفاده می‌کرد اما اکنون به‌جای سنگ مسافت‌نما از تابلوهای فلزی استفاده می‌کند.

نگین‌های محوطه صالح‌داوود

از دیگر آثار مربوط به استیلای یونان در ایران می‌توان به اشیاء یافت‌شده از آرامگاه زیرزمینی صالح‌داوود نزدیک شوش، مربوط به دوره اشکانی اشاره کرد. علاوه بر پیسوز و گردنبند و ... چهار نگین انگشتر از عقیق از درون آرامگاه به‌دست آمد که هر یک از آنها تصویری از خدایان یونانی داشتند که به‌صورت کنده اجرا شده بود (رهبر، ۱۳۷۹). باوجود کوچکی نگین‌ها، هنرمند

^۱ بخشی از حرف چهارم کتیبه A به‌دلیل آسیب‌دیدگی به‌صورت خطی افقی باقی مانده بود، که می‌توانست حرف سیگما یا دلتا باشد. تصور حرف سیگما بود، بنابراین بازسازی واژه می‌توانست استاسیس به‌معنی ایستگاه باشد که بیشترین ایستگاه خوانده شده بود. خوانش دگر بار کالی‌یری (۱۳۷۶) از این کتیبه، حرف چهارم را دلتا خواند، بنابراین خوانش واژه ۲۰ استاد است نه ایستگاه بیستم.

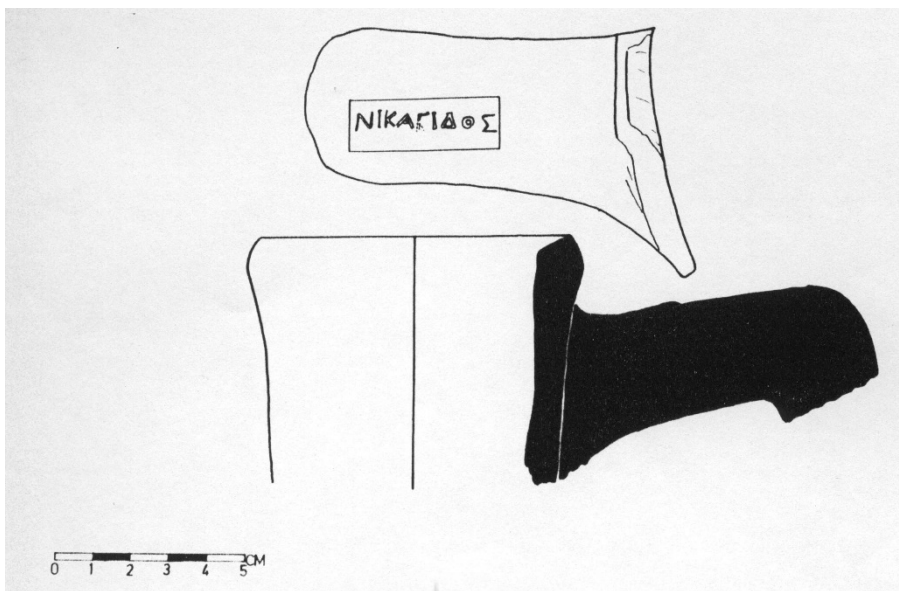


تصویر ۳. چهار نگین انگشتر عقیق از ایوان کرخه، دوره اشکانی، خوزستان

Fig. 3. Carved Figures on Agate Finger-ring Discovered in Chamber Tombs at Saleh Dawood, Near Eyvan-e Karkhe, Parthian Period, Khuzestan.

دارد که سر آن جمع شده است. با دراز کردن دست خود در حال دادن به کسی است. در اسطوره‌های یونانی به خدایی به نام هرمس اشاره شده است که او را حامی مسافران و کاروانیان و نیز خدای تجارت می‌دانند. او را درعین حال خدای راهزنی نیز دانسته‌اند (گریمال، ۱۳۴۹: ۴۱۴). مجسه هرمس را سر راه چهارراه‌ها و جاده‌ها می‌گذاشتند

بدنش لخت است و به سمت راست در حرکت است. او کلاه‌هی با لبه بلند دارد. در سمت راست شی‌ای شبیه پارچه جمع شده دارد. در همان دست او شی‌ء دیگری است که دسته به نسبت باریک و بلندی دارد که در سر آن، شی‌ء مربع‌شکلی نصب شده است که به بازوی خود تکیه داده است. در دست چپ خود شی‌ای شبیه کیسه‌ای از پارچه



تصویر ۴. کتیبه یونانی بر دسته یک ظرف سفالی از بیستون (مترجم، ۱۳۷۹).
Fig. 4. Greek Inscription on the Handle of a Pottery Vessel from Bisuton (Motarjem, 2000).

تصویر گورگون را روی سینه نصب کرده بود.

نگین ۳

بر نگین دیگری شخصی دیده می‌شود که کلاه لبه‌داری بر سر دارد و در حال حرکت به سمت چپ است. روی شانه خود شی‌ای شبیه پارچه لوله شده دارد که از وسط تاخورده است. نصف آن پشت سرش و نصف دیگر جلوی بدنش آویزان است. علاوه بر آن، روی شانه شی‌ای قرار دارد که شامل میله‌ای است بلند که در دو سر آن، دو صفحه گرد قرار دارد. این شخص جهت حفظ تعادل این شیء هالترمانند، میله را نزدیک صفحه به دست گرفته است. روشن نیست که او کیست.

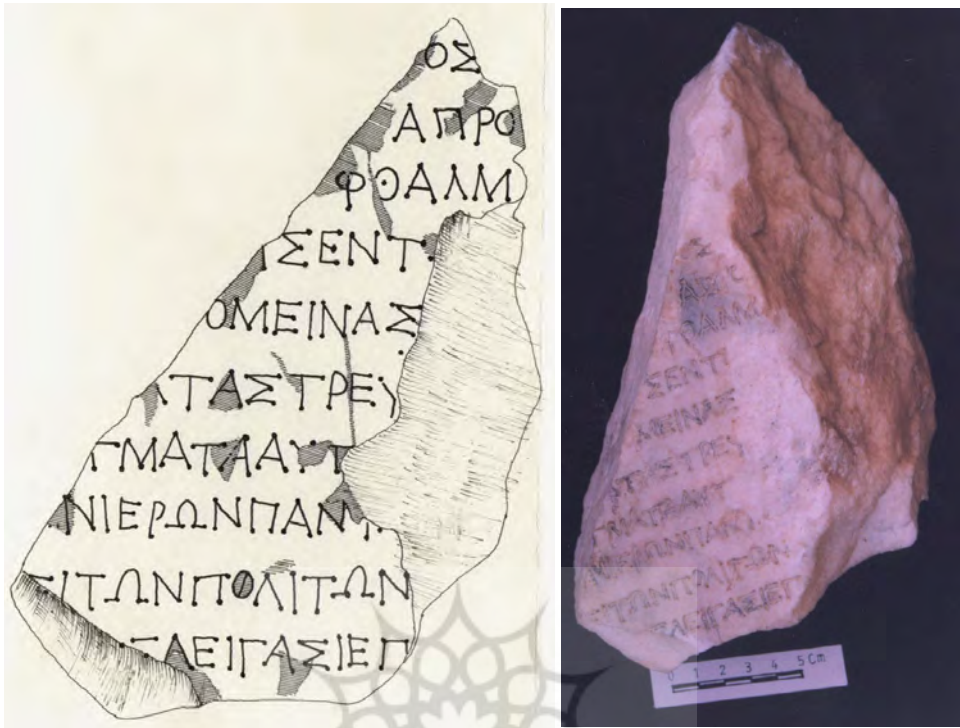
نگین ۴

این نگین شخصی را نشان می‌دهد که در حال حرکت به سمت چپ است. کلاه او نیز مانند کلاه شخصیت نگین ۳ است که لبه بلندی دارد. بر شانه خود پارچه لوله شده‌ای دارد که نیمی از آن در جلو

تا راهنمای مسافران باشد. ستونی که بالای آن نیم تنه هرمس بود. بخش‌های دیگر این ستون، بی‌نقش بود جز در میانه ستون که آلت مردی را نقش کرده بودند. به احتمال کیسه‌ای که در نقش نگین در دست هرمس است می‌تواند توشه راه برای مسافران باشد.

نگین ۲

نقش روی نگین ۲، تصویر زنی است که فقط سر و گردن او به صورت نیم رخ نقش شده است که به راست می‌نگرد. در یونان الهه‌ای که کلاه دارد، آتناست. او را الهه عقل و خرد و حافظ آتن و درعین حال الهه جنگ می‌دانند. او دختر زئوس خدای خدایان یونان است که با شکافتن سر زئوس توسط هفائستوس که پسر زئوس و هرا بود به صورت مسلح به دنیا آمد (دورانت، ۱۳۴۹: ۱۲۳). بر سینه این الهه تصویری از مدوز یا گورگون نصب شده است. اسکندر مقدونی نیز خود را مانند آتنا فنا ناپذیر می‌دانست بنابراین



تصویر ۵ و ۶. کتیبه یونانی ایوان کرخه، به احتمال مربوط به زمان شاپور دوم
Fig. 5 & 6. Greek inscription from Eivan-e Karkhe, Probably from the Reign of Shapur II (AD 309-379).

شهرت داشته که نام خود را بر آن نوشته است.

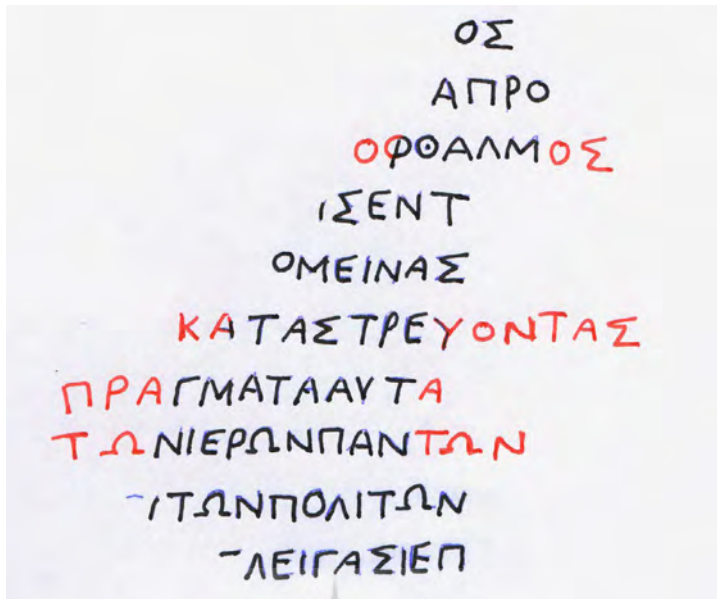
کتیبه یونانی ایوان کرخه

هنگامی که مدیر پروژه حفاظت و مرمت آثار شوش، هفت تپه و چغازنبیل در سال ۱۳۷۷ بودم، معاون شهردار شوش اطلاع داد که جوانی به نام علیرضا گودرزی هنگامی که با لودر در حال تسطیح زمین کشاورزی شمال ایوان کرخه بود، قطعه سنگی با نوشته‌ای به خط میخی یافته است. پس از گفت‌وگو با او و دریافت قطعه سنگ و مشاهده آن پی بردیم که آن نوشته، نه خط میخی بلکه نوشته‌ای به خط یونانی است که بخش‌هایی از آن شکسته بود. سنگ مثلی بود که ۲۴ سانتی متر بلندی و حداکثر ۱۳ سانتی متر عرض و ۷/۴ سانتی متر ضخامت داشت. از کتیبه ۱۰ سطر به خط و زبان یونانی مانده بود و با توجه به ظرافت

و نیم دیگر پشت سرش آویزان است. سر بخشی از شیء که در جلو قرار گرفته است به صورت سر پیکان نمایش داده شده است. علاوه بر آن روی شانه راست، میله‌ای با سر برگشته است. این میله شبیه داس کشاورزان است که روی شانه سمت راست قرار داده شده و با دست راست گرفته است. روشن نیست که او کیست.

کتیبه یونانی بر دسته ظرف سفالی

کاوش‌های بیستون در سال ۱۳۷۹، به یافت قطعه‌ای از لبه و دسته یک کوزه سفالی بدون لعاب انجامید که بر دسته آن در کادری مستطیل شکل، نام یک یونانی به نام «نیکایی دُس» با خط و زبان یونانی به صورت استامپی دیده می‌شود (مترجم، ۱۳۷۹) (تصویر ۴). به گمان نیکایی دس از یونانیان ساکن غرب ایران بوده و در سفالگری



تصویر ۷. کتیبه یونانی ایوان کرخه، به احتمال مربوط به زمان شاپور دوم
Fig. 7. Greek inscription from Eyvan-e Karkhe, Probably from the Reign of Shapur II (AD 309-379).



تصویر ۸. مجسمه پان و مارسایاس یافت شده از برازجان بوشهر
Fig. 8. Marble Statu of Pan and Marsyas on Pedectal, Borazjan, Bushehr

آن به احتمال بسیار، یک یونانی آن را نوشته است
مجمومه مرمری برازجان
این مجسمه هنگام کشاورزی در برازجان یافت
(تصویر ۵ و ۶ و ۷).



تصویر ۹. مجسمه پان و مارسایاس یافت شده از برازجان بوشهر
Fig. 9. Marble Statu of Pan and Marsyas on Pedestal, Borazjan, bushehr



تصویر ۱۰. مجسمه پان و مارسایاس یافت شده از برازجان بوشهر
Fig. 10. Marble Statu of Pan and Marsyas on Pedestal, Borazjan, Bushehr



تصویر ۱۱. کتیبه بزرگ یونانی آنتیوخوس دوم در نهاوند (موزه ملی ایران)

Fig. 11. Greek Inscription of Antiochus II. 193 BC. Once Stood at the Entrance of the Temple of Laodicea, Nahavand

زیرین آن سر و صورت و پاهای یک بز است که تکیده و فشرده شده است. در سمتی از این مجسمه و روی پایه، نقش دو نی که هر کدام ۵ سوراخ دارد، نقش شده است (تصویر ۸، ۹ و ۱۰). علاوه بر آن، در سمت دیگر روی پوست بز، شش عدد نی به هم چسبیده به صورت دوزنقه دیده می‌شود. در یونان باستان به این ساز،

شد. مجسمه از مرمر سفید بدون رگه است. به احتمال این سنگ از معدن‌های یونان استخراج شده است (رهبر، ۱۳۷۸: ۱۹۲). مجسمه شامل سه قسمت است که به صورت یکپارچه ساخته شده است. ابتدا صفحه‌ای در اندازه ۴/۳ در ۲۹/۵ در ۵۲ سانتی‌متر زیر ساخت آن را شکل می‌دهد. سپس خود مجسمه است که بخش



تصویر ۱۲. پایه ستون ایونی از معبد لائودیسه

Fig. 12. Ionic Column Base of the Temple of Laodicea, Nahavand



تصویر ۱۳. پایه ستون ایونی از معبد لائودیسه

Fig. 13. Ionic Column Base of the Temple of Laodicea, Nahavand

است. در بخش بالایی این مجموعه، مرد لختی دیده می شود که بخش زیادی از آن شکسته است که می توان گفت او ساتیر است. دو عدد نی که

سیرنکس گفته می شود که ساز خدای جنگل و همیشه است (گرمال، ۱۳۴۹: ۴۱۴). چوبدستی نیز با چندین گره به پوست بز تکیه داده شده



تصویر ۱۴. پایه ستون ایونی از معبد لائودیسه

Fig. 14. Ionic Column Base of the Temple of Laodicea, Nahavand

کرد (حاکمی، ۱۳۳۸ الف: ۴). کتیبه ۳۲ سطر دارد که فرمانی است از سوی آنتیوخوس سوم شاه سلوکی به ساتراپ منطقه. شاه فرمان داده از آنجا که ملکه-خواهر به عنوان کاهن بزرگ شهر لائودیسه انتخاب شده، به شئون او بیفزاید و فرمان را بر سنگی حک کرده و در جلوی بزرگترین معبد شهر لائودیسه (نهایند) نصب کند (تصویر ۱۱). جز کتیبه، در سال ۱۳۹۱، چند پایه ستون و سرستون از کاوش محدوده امامزاده دوخواهران و در نزدیکی کتیبه آنتیوخوس سوم به دست آمد (تصویر ۱۲، ۱۳ و ۱۴).

بر صحنه است و نیز سیرنکس روی پوست بز مشخصاً مارسپاس یکی از مهم ترین ساتیرها و پان را تجسم بخشیده اند که در ارتباط با نی آتنا و چنگ آپولون است (گریمال، ۱۳۴۹: ۴۱۴). بنابراین مجسمه را می توان مارسپاس یکی از ساتیرها دانست که بر نمادی از پان نشسته است. با توجه به ویژگی های که این مجسمه از نظر هنری دارد می توان از مکتب لوسیپوس مجسمه ساز معروف قرن چهارم پم الگو گرفته باشد. به احتمال این مجسمه به معبدی در محدوده برازجان تعلق داشته است.

مجسمه های مفرغی خدایان از نهایند

چند مجسمه کوچک مفرغی خدایان یونانی در سال ۱۳۲۷ به طور اتفاقی از امامزاده دوخواهران به دست آمد که گیرشمن تصویر آنها را منتشر کرده است (Ghirshman, 1962: fig. 23) (تصویر

کتیبه بزرگ یونانی نهایند

کتیبه ای به خط و زبان یونانی از محله دوخواهران نهایند در سال ۱۳۲۲ به طور اتفاقی کشف شد. لویی روبر در سال ۱۹۴۹ این کتیبه را به فرانسه ترجمه کرد و علی حاکمی آن را به فارسی ترجمه



تصویر ۱۴. مجسمه‌های مفرغی خدایان از نهاوند (Ghirshman, 1962: fig. 23)
Fig. 14. Bronze Statues of Gods from Nahavand (Ghirshman, 1962: fig. 23)



تصویر ۱۵. مهر سبزرنگی با نام آزدک به خط یونانی (Rahbar, 2024)
Fig. 15. Green Seal with the Name of "OpeΔak" in Greek Script (Rahbar, 2024)

مجسمه کوچک زئوس

این مجسمه مفرغی ۱۰ سانتی‌متری، اندام متناسب و ورزشی دارد همراه با ریش و موهای جمع‌شده. بخشی از بدنش با پارچه‌ای بدون

(۱۴) و نیز آنها در مقاله‌ای در کنگره بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران در سال ۱۳۵۵ در مونیخ معرفی شدند (Rahbar, 1976).



تصویر ۱۶. مجسمه هرکول در بیستون
Fig. 16. Statue of Hercules in Bisotun

مجسمه آپولون

دوخت پوشیده شده است. باتوجه به شوهد این مجسمه زئوس خدای خدایان یونان است که دست راست خود را بالا برده است و در دست چپ نمادی از آذرخش دارد.

این مجسمه شخص لختی را نشان می‌دهد با اندامی ورزیده و متناسب. بلندی آن ۱۲ سانتی‌متر است. در دست چپش شی‌ای است که باید ساز جنگ باشد. در اسطوره‌های یونان

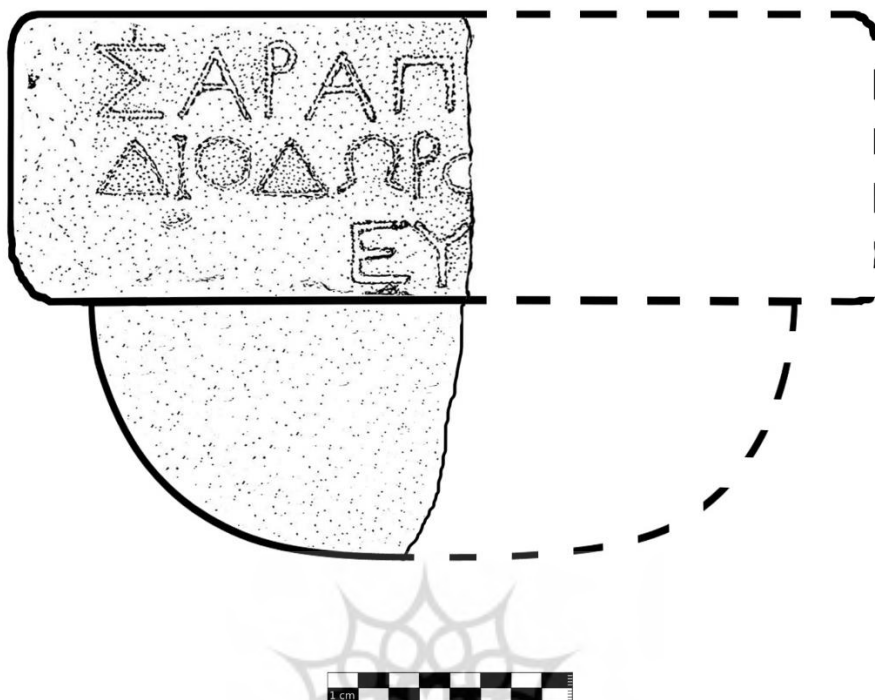


تصویر ۱۷. پایه ستونی با کتیبه‌ای به خط و زبان یونانی از همدان (شعبانی، ۱۳۹۶)
 Fig. 17. A Column Base with an Inscription in Greek Script and Language, Hamedan (Shabani, 2017)



تصویر ۱۸. پایه ستونی با کتیبه‌ای به خط و زبان یونانی از همدان (شعبانی، ۱۳۹۶)
 Fig. 18. A Column Base with an Inscription in Greek Script and Language, Hamedan (Shabani, 2017)

معمولاً مجسمه‌هایی که در دست چنگ دارند،
 آپولون یکی از خدایان المپ است (گریمال،
 ۱۳۴۷: ۹۰). زنوس از پسرش آپولون خشمگین
 شد بنابراین آپولون مدتی به چوپانی پرداخت.



تصویر ۱۹. پایه ستونی با کتیبه‌ای به خط و زبان یونانی از همدان (شعبانی، ۱۳۹۶)

Fig. 19. A Column Base with an Inscription in Greek Script and Language, Hamedan (Shabani, 2017)

زره و نقش گورگون نشانه‌های آتناست. بنابراین، مجسمه مربوط به آتنا است.

مجسمه فورتونا

مجسمه زنی است که لباسش مانند آتنا است. لباس بلند است و بدنش را پوشانده است. تاج مخصوصی بر سر دارد و در دست چپ شی‌ای دارد که سر آن شیبه گل نیلوفر است. درون شیء پراز میوه و گل است که به شاخ فراوانی تعبیر شده است. این نشانه‌ها با الهه فورتونا، الهه فراوانی قابل تطبیق است. پشت سکه زرین بطلمیوس پادشاه یونانی مصر، تصویری از شاخ فراوانی نقش شده است.

مجسمه مرد جوان

تصویر مجسمه مرد جوانی را رومن گیرشمن در

هرمس برادرش چنگ را اختراع کرد و آپولون چنان شیفته چنگ شد که گله‌های گوسفندانش را در برابر چنگ به هرمس داد (گریمال، ۱۳۴۹: ۹۰) بنابراین چنگ یکی از نشانه‌های شناخت آپولون است و این مجسمه آپولون.

مجسمه آتنا

این مجسمه ۷ سانتی متر بلندی دارد. لباس او شامل زیرپوش آستین‌داری است که تا آرنج را می‌پوشاند. روی آن لباس، ایماتیون دیده می‌شود که پارچه بدون دوختی است که تا روی پاها را می‌پوشاند. در دست راست شیء گردی دارد و دست چپ را درحالی بالا برده که نشان می‌دهد نیزه بلندی داشته است. بر سر کلاهی دارد و روی سینه تصویری از سر گورگون دارد. آتنا الهه عقل و جنگ و حامی آتن است. نیزه و کلاه و سپر و



تصویر ۲۰. کتیبه یونانی تنگ لی لی لرستان (Hemati-Azandaryani et al., 2023)
Fig. 20. Greek Inscription of Tang-e Lili (Hemati-Azandaryani et al., 2023)

جدول ۱. کتیبه یونانی تنگ لی لی لرستان (Hemati-Azandaryani et al., 2023)
Table 1. Greek Inscription of Tang-e Lili (Hemati-Azandaryani et al., 2023)

ترجمه فارسی	ترجمه انگلیسی	آوانگاری	متن یونانی
اونگه اوس پسر واگه اوس دستور دارد نام ایرادینس را در بلندترین نقطه این مکان بنویسند	Ongeios (or Oggeios) (son of) Bagaïos has completed/im- proved this promontory/hilltop called Iradenes	((hedera?)) Ογγείος Βαγαίου τετελέωκεν τὴν ἄκραν ταύτην, ᾧ ὄνο- μα Ἰραδηνῆς	((hedera?)) ΟΓΓΕΙΟΣ ΒΑΓΑΙΟΥ ΤΕΤΕΛΕΩΚΕΝ ΤΗΝΑΚΡΑΝ ΤΑΥΤΗΝΩΟΝΟ ΜΑΙΡΑΔΗΝΗΣ

از محوطه دوخواهران نهانوند به دست آمد که ۹/۵ سانتی متر بلندی دارد. مجسمه شخصی را نشان می دهد که کلاهی به سر دارد و موهای بافته او در جلو سرش نمایان است. ایماتیون را به دور بدن خود پیچیده است، باین حال مردانگی او نمایان است. حالت سکون و آرامش در این مجسمه دیده می شود (Rahbar, 1976).

مهری از دوره اشکانی با خط یونانی

کاوش آرامگاه گللالک شوشتر، به یافت نگینی از

کتاب خود آورده است که لباس چین دار بلندی با آستین دارد. دست چپ را روی رانش گذاشته و دست راست را به کمرش چسبانده است. نشانه ای که بتوان این مجسمه را به یک خدا یا شخصیتی نسبت داد وجود ندارد. به احتمال همه این مجسمه ها به دست یک هنرمند یونانی ساخته شده است.

مجسمه هرمس

مجسمه کوچکی از جنس مفرغ در سال ۱۳۲۷

مکعب شکل استوار بوده است (شعبانی، ۱۳۹۶).
بر یکی از ضلع‌های مکعبی شکل پایه‌ستون، کتیبه‌ای به خط و زبان یونانی نوشته شده است. سطر اول این کتیبه نام ساراپیش یکی از خدایان مصری است. هنگامی که یکی از سرداران اسکندر مقدونی مصر را گرفت، ساراپیس مهم شد و پرستش او در میان یونانیان رواج یافت (تصویر ۱۷، ۱۸ و ۱۹).

کتیبه یونانی تنگ لی لی لرستان

این کتیبه ۶ سطر دارد که به خط و زبان یونانی بر سینه صخره‌ای نوشته شده است. تاریخ این کتیبه را بین سال‌ها ۵۰ پم تا حدود ۱۰۰ میلادی دانسته‌اند (Hemati-Azandaryani et al., 2023) (تصویر ۲۰ و جدول ۱).

برآیند

آثاری از فرهنگ یونانی در ایران به‌دست آمده است که این آثار را می‌توان به ۳ دسته تقسیم کرد. دسته اول، اشیایی است که موضوع یونانی دارند که به‌دست یونانیان و برای یونانیان ساخته شده است مانند مجسمه پان برازجان. دسته دوم آثاری است که اگرچه موضوع یونانی دارد مورد تقلید ایرانیان قرار گرفته است مانند ستون‌های بنای اربابی خوره محلات. پایه‌ستون‌های خوره محلات ظاهراً سبک پایه‌ستون‌های دوره هخامنشی است و سرستون‌ها به سبک ایونی یونان. درواقع نه ظرافت پایه‌ستون‌های هخامنشی در آنهاست و نه ظرافت و دقت هنر یونان. بنابراین، ستون‌های خوره نه ایرانی است و نه یونانی. در این گونه آثار معمولاً تناسبات خاص یونانی دیده نمی‌شود. این آثار قطعاً به‌دست هنرمندان ایرانی تقلید شده است. دسته سوم نقش‌مایه‌هایی است که اصل یونانی دارد اما مردم ایران آنها را تقلید کرده‌اند. این نقش‌مایه‌ها تا زمان حال نیز دوام آورده است مانند نقش برگ کنگری و مناندر.

عقیق سبز تیره انجامید که به خط یونانی نام یکی از شاهزادگان اشکانی آمده بود (تصویر ۱۵).
نگین سبز رنگی به‌صورت عدسی محدب است که به‌عنوان مهر شخصی عمل می‌کرده است. این نگین که در آرامگاه ۴ به‌دست آمده متعلق به شخصی به نام اُردک بوده است که به‌احتمال از مقام اجتماعی مهمی برخوردار بوده و یقیناً این آرامگاه به او تعلق دارد (Rahbar, 2023; 2024).

مجسمه هرکول در بیستون

در سال ۱۳۳۷ هنگام ساخت شاهراه غرب کشور، بخشی از مجسمه‌ای آشکار شد که سپس کاوش باستان‌شناسی در آنجا انجام شد (حاکمی، ۱۳۳۸: ۱۲-۳). این مجسمه، شخصی تنومندی را نشان می‌دهد که بر پوست شیری دراز کشیده و در دست جامی دارد. پشت سرش بر صخره‌ای کتیبه‌ای در ۷ سطر به خط و زبان یونانی نوشته شده است. گرز گره‌دار و تیردانی که بر درختی آویزان است و نیز پوست شیر که نشانه‌ای از هرکول است، شکی نمی‌ماند که این مجسمه، هرکول است (تصویر ۱۶).

پایه‌ستونی با کتیبه‌ای به خط و زبان یونانی

پایه‌ستونی با کتیبه‌ای به خط و زبان یونانی هنگام کندن آبراه فاضلاب در مرکز شهر همدان در سال ۱۳۹۶ به‌دست آمد (شعبانی، ۱۳۹۶). پایه‌ستون دو بخش است که بخش زیرین مکعبی در اندازه ۱۲/۲ در ۱۸/۵ در ۴۱ سانتی‌متر است. بخش بالایی شالی‌ستون است که قطری برابر ۳۱ سانتی‌متر دارد. بلندی شالی‌ستون ۱۳/۵ سانتی‌متر است. دوسوراخ در اندازه ۸ در ۱۰ سانتی‌متر در زیر این پایه‌ستون به‌احتمال به‌منظور اتصال دو قسمت این پایه‌ستون بوده است. شعبانی بر این باور است که این حفره‌ها محل قرارگیری مجسمه‌ای بوده است که روی بخش

کتاب‌نامه | Bibliography

- mentation Center of the Iranian Cultural Heritage. Handicrafts, and Tourism Organization (Unpublished report).
- رهبر، مهدی. (۲۵۳۵). «نمونه‌هایی از مظاهر اسارت»، بررسی‌های تاریخی، سال ۱۱، شماره ۱.
- Rahbar, Mehdi. (1974). "Examples of Manifestations of Captivity", *Historical Studies*, Vol. 11, No. 1.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۴). تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، تهران، امیرکبیر.
- Zarrinkoob, A. (1985). *History of the Iranian People before Islam*, Tehran, Amirkabir.
- شعبانی، محمد. (۱۳۹۶). گزارش کشف سرستون کتیبه‌دار یونانی از کوچه جراحان شهر همدان، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی همدان.
- Shabani, Mohammad. (2017). *Report on the discovery of a column capital with a Greek inscription from Jarrahan Alley in Hamedan city*, Archives of the General Directorate of Cultural Heritage and Handicrafts of Hamadan.
- کالی‌یری، فرانسیسکو. (۱۳۷۶). «سنگ مسافت‌نمای یونانی از ناحیه تخت جمشید»، ترجمه اصغر کریمی، اثر، شماره ۲۸: ۹۶-۱۲۲.
- Callieri, P. F. (1997). "A Greek milestone from the region of Takht-e Jamshid", Translated into Persian by Asghar Karimi, *Asar* 28: 96-122.
- کبیری، احمد. (۱۳۵۸). «کشف سنگ مسافت نما «سنگ کیلومتر» در مرودشت»، اثر، شماره ۲۲ و ۲۳: ۱۹۶-۲۰۰.
- Kabiri, A. (1980). "A milestone discovered at Marvdasht" *Asar* 22-23: 196-200.
- گریمال، پیر. (۱۳۴۷). فرهنگ و اساطیر یونان و روم، جلد دوم، ترجمه احمد بهمنش، تهران، دانشگاه تهران.
- Grimal, Pierre. (1968). *Greek and Roman Culture and Mythology*, Volume 2, Translated into Persian by Ahmad Bahmanesh, Tehran, University of Tehran.
- گیرشمن، رومن. (۱۳۷۲). هنر ایران در دوران پارت و ساسانی، ترجمه عیسی بهنام، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- Girshman, Roman. (1993). *Iranian Art in the Parthian and Sasanian Periods*, Translated into Persian by Isa Behnam, second edition, Tehran, University of Tehran.
- لمب، هارولد. (۱۳۳۵). اسکندر مقدونی، ترجمه رضا زاده شفق.
- Lamb, Harold. (1956). *Alexander the Great*, Translated into Persian by Reza Zadeh Shafaq.
- مترجم، عباس. (۱۳۷۹). گزارش فصل اول کاوش‌های
- بدیع، امیرمهدی. (۱۳۶۴). یونانیان و بربرها، ترجمه احمد آرام، چاپ دوم، تهران، پرواز.
- Badi, A. M. (1965). *Greeks and Barbarians*, Translated into Persian by Ahmad Aaram, Vols. 1-2nd ed. Tehran, Parvaz.
- بریان، پی‌یر. (۱۳۷۷). امپراتوری هخامنشیان، ترجمه مهدی سمسار، تهران، زریاب.
- Berian, Pierre (1998). *The Achaemenid Empire*, Translated into Persian by Mehdi Samsar, Tehran, Zaryab.
- پلوتارخ. (۱۳۴۹). ترجمه احمد کسروی، جلد ۱ و ۲، تهران، گوتمبرگ.
- Plutarch. (1950). *The History of Plutarch*, Translated into Persian by Ahmad Kasravi, Vols. 1-2. Tehran.
- پیرنیا، حسن. (۱۳۴۲). ایران باستان، کتاب هشتم، چاپ سوم، تهران، سازمان کتاب‌های جیبی.
- Pirnia, H. (1963). *Ancient Iran* Vol. 8. Tehran.
- حاکمی، علی. (۱۳۳۸ الف). «کتیبه بزرگ نهاوند»، مجله باستان‌شناسی، شماره ۱ و ۲: ۴-۸.
- Hakemi, Ali. (1959a). "The Great Inscription of Nahavand", *Archaeology*, No. 1 & 2: 4-8.
- حاکمی، علی. (۱۳۳۸ اب). «مجسمه هرکول در بیستون»، مجله باستان‌شناسی، شماره ۳ و ۴: ۳-۱۲.
- Hakemi, Ali. (1959b). "Statue of Hercules in Bis-toun", *Archaeology*, No. 3 & 4: 4-8.
- دورانت، ویل. (۱۳۴۹). یونان باستان، کتاب دوم، انحطاط تمدن یونان، ترجمه هوشنگ پیرنظر، تهران، اقبال.
- Durant, William James. (1960). *Ancient Greece*, Book II, The Decline of Greek Civilization, Translated into Persian by Houshang Pirnazar, Tehran, Iqbal.
- رهبر، مهدی. (۱۳۷۸). «پژوهشی در یک مجسمه مرمری یونانی از برازجان»، باستان‌شناسی و هنر ایران، ۳۲ مقاله در بزرگداشت عزت‌الله نگهبان، به‌کوشش عباس علیزاده، یوسف مجیدزاده و صادق ملک‌شهمیرزادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۹۲-۲۰۷.
- Rahbar, Mehdi. (1999). "Study of a Greek marble statue from Borazjan", In Alizadeh, A., Majidzadeh, Y. and Shahmirzadi, S. M. (eds.), *The Iranian World. Essays on Iranian Art and Archaeology Presented to Ezat o. Negahban*. Tehran: 192-207.
- رهبر، مهدی. (۱۳۷۹). فصل اول کاوش‌های باستان‌شناسی صالح داوود، آرشیو سازمان میراث فرهنگی.
- Rahbar, Mehdi. (2000). *First part of the archaeological excavations at Saleh Dawood*, Docu-

tion Center of the Iranian Cultural Heritage. Handicrafts, and Tourism Organization (Unpublished report).

English

Ghirshman, Roman. (1962). *Iran: Parther Und Sasaniden*, Verlag C.H. Beck München.

Hemati Azandaryani, E; Gregoratti, L; Magnani, St; Khosravi, Z; Rahimi, S. (2023). "A Newly Found Greek Inscription from Tang-E Lili, Lorestan, Western Iran", *Zeitschrift für Papyrologie und Epigraphik* 228: 197-206.

Loftus, W.K. (1857). *Travels and Researches in Chaldea and Susiana*, London.

Rahbar, M. (2023). "An Investigation of Parthi-

انستان‌شناسی بیستون، مرکز اسناد میراث فرهنگی (منتشر نشده).

Motarjem, A. (2000). *First report of the archaeological excavations at Bisotun*, Documenta-

an-Sasanian Stuccoes of Dastowā Shushtar, Khuzestān, Iran", *Ancient Iranian studies*, 2(6), 57-75. <https://doi.org/10.22034/ais.2023.404142.1043>

Rahbar, M. (2024). "Elymaean Tombs of Gelālak of Shushtar, Iran", *Sinus Persicus*, 1(2), 79-98. <https://doi.org/10.22034/sp.2024.487715.1011>

Rahbar, M. (1976). "Remarks on some Seleucid objects in the Iran Bastan Museum". In *Akten des VII. Internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archäologie*. Munich: 249-76.



© 2025 The Author(s). Published by Tissaphernes Archaeological Research Group, Tehran, Iran. [Open Access](#).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>), which permits non-commercial reuse, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited, and is not altered, transformed, or built upon in any way.

The ethical policy of Sinus Persicus is based on the Committee on Publication Ethics (COPE) guidelines and complies with International Committee of Sinus Persicus Editorial Board codes of conduct. Readers, authors, reviewers and editors should follow these ethical policies once working with Sinus Persicus. The ethical policy of Sinus Persicus is liable to determine which of the typical research papers or articles submitted to the journal should be published in the concerned issue. For information on this matter in publishing and ethical guidelines please visit www.publicationethics.org.